

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال ۴ - بهار ۱۴۰۳ - شماره شانزدهم - ص ۹۱-۱۰۵

تحلیل تاثیر باور و اعتقاد به آموزه های دینی در زندگی دانشجویی

سارا تلخوی^۱

چکیده

اینکه باور و اعتقاد چه تاثیر و نقشی در زندگی انسان دارد بحثی است که مدت ها در جوامع علمی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است و پیرامون آن کتاب ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است و عمده تحقیقات به این نظریه ختم شده است که اعتقاد به آموزه های دینی و عمل بر طبق آنها هم در بُعد فردی و نیز اجتماعی تاثیرگذار خواهد بود؛ یکی از جلوه های تاثیرگذاری باورمندی و عمل به مسائل دینی در زندگی دانشجویی می باشد، یعنی یک دانشجوی معتقد و باورمند که عامل به معارف دینی می باشد، ویژگی هایی را در سایه اعتقاد به دین کسب می نماید که دیگر افراد از آنها بهره مند نخواهند بود و یا این که کم بهره می باشند؛ در این تحقیق که به صورت تحلیلی-توصیفی و با روش کتابخانه ای نوشته شده است به تاثیرات باور و اعتقاد در زندگی دانشجویی پرداخته شده و به این نتیجه دست یافته است که باورمندی به آموزه های دینی بر بُعد زندگی فردی و اجتماعی دانشجو موثر خواهد بود.

کلیدواژه: باور، اعتقاد، آموزه های دینی، زندگی دانشجویی، بُعد فردی، بُعد اجتماعی.

^۱ دانشجوی کاردانی رشته آموزش و پرورش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی استان قم

مقدمه

اسلام دینی است که به تمامی جنبه‌های وجودی انسان نظر و نظارت دارد و دستورات اسلامی شامل همه مسائلی است که عمل به آن‌ها خیر دنیا و آخرت را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) به این معنا که هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پادشاه آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد؛ یعنی عمل شایسته بر مبنای اعتقاد و باور موجب دوچیز خواهد شد یکی حیات پاک دنیوی و دیگری پادشاه اخروی. انسان موجودی است که وجود او دارای ابعاد مختلفی است، گاهی ابعاد وجودی او را تقسیم به مادی و معنوی می‌کنند یعنی انسان دارای جسم و روح است و تغذیه هر کدام از این‌ها در عین ارتباط با هم، متفاوت می‌باشند و باید به هر دوی این‌ها رسیدگی نمود یعنی جسم، خوراک مادی می‌خواهد و روح خوراک معنوی لازم دارد و همان‌طور که برخی غذاها برای جسم مضر هستند، برخی اعمال و رفتارها نیز به روح انسان آسیب می‌رسانند؛ و گاهی ابعاد وجودی او را به دو بُعد فردی و اجتماعی تقسیم می‌نمایند، دین برای همه ابعاد وجودی انسان دارای برنامه است و از هیچ‌یک از آن‌ها غافل نشده و سعادت و بالندگی را برای همه عرصه‌های زندگی انسان خواهان است؛ وقتی که دین چنین برنامه و دستوراتی دارد، اعتقاد و باور به آن تاثیرات فراوانی بر زندگی انسان خواهد داشت؛ هر انسانی در هر موقعیت و شرایط کاری و شغلی اگر معتقد و باورمند به دستورات دینی باشد، تفاوت‌هایی با سایر افراد نامعتقد خواهد داشت و دارای سلامت روانی و روحی خواهد بود. آنچه که این مقاله در پی بیان آن می‌باشد تحلیلی پیرامون این مطلب است که باور و اعتقاد به آموزه‌های دینی، تاثیراتی در زندگی دانشجویی خواهد داشت که به موفقیت دانشجویی کمک شایانی خواهد نمود و این‌که دانشجوی معتقد و باورمند که عمل کننده به دستورات دینی و اسلامی است و خود را ملزم به رعایت امور دینی می‌داند در تحصیل موفق‌تر و هم‌چنین از نظر بُعد روحی و روانی و معرفتی کامل‌تر و سالم‌تر از سایرین خواهد بود که در این نوشتار با بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی و توصیفی به بیان این مطلب پرداخته شده است.

۱-اسلام و دانش جویی

دین مبین اسلام تاکیدات فراوانی بر علم و علم آموزی و تعلیم علم به دیگران دارد؛ نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیاتی هستند که در آن‌ها از ارزشمندی علم و قلم سخن گفته شده است، به صورتی که در اولین آیه نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صحبت از خواندن به میان آمده که: « أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ » (علق: ۱) یعنی بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. قرآن مهم‌ترین اهداف ارسال پیامبران را آموزش و پرورش

بیان می نماید در آنجا که می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲). یعنی و خداوند کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و آیات دیگری که در این زمینه فراوانند.

علم و دانش آن قدر در اسلام مورد تاکید قرار گرفته و دارای اهمیت است که در قرآن کریم ۷۷۵ مرتبه کلمه علم تکرار شده است. علم آموزی نه تنها در اسلام، امری نیکو و مورد تاکید است بلکه از واجبات شمرده شده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: « طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ » (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۰). یعنی علم آموزی بر هر فرد مسلمانی واجب است و آگاه باشید که قطعاً خداوند طالبان علم را دوست می دارد. به سبب همین توصیه های پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام، جهش بزرگی در تعلیم و تعلم علوم صورت گرفت و نمونه های آن در تاریخ نقل شده است.

آموختن هر علم و دانشی که جامعه از حیث فردی و اجتماعی به آن نیاز داشته باشد، مورد تاکید و توصیه دین اسلام قرار گرفته است و حتی در بعضی علوم و شغل ها که جامعه نیازمند به آن هاست ولی کسی عهده دار انجام آن امور نمی شود، روایات معصومین علیهم السلام انجام آن کار و تحصیل آن علم را واجب کفایی دانسته اند، یعنی واجب است به قدر کفایت عده ای وارد بر این حرفه شوند تا نیاز جامعه به این کار برطرف شود؛ در مقابل علمی که تحصیل آن ها موجب بهم خوردن نظام جامعه می شود و در آسایش مردم اختلال ایجاد می نماید و هم چنین سبب گمراهی افراد اجتماع می شود را دین اسلام حرام اعلام کرده است، مثلاً یکی از این علوم ناصحیح که آموختنش و یا یادگیری آن حرام نامیده شده است، سحر و جادو می باشد که فرد با یادگیری آن قصد بهم زدن رابطه زن و شوهر و یا ایجاد اختلاف بین مردم را دارد؛ مگر اینکه کسی هدفش از یادگیری آن، باطل کردن سحر باشد که در این صورت و آن هم برای افراد محدودی جایز است. بنابراین علم آموزی از توصیه های موکد اسلام است و دانش جویی از اموری است که موجب جلب رضایت الهی می شود و در بخشی از آن روایت نورانی امام صادق علیه السلام که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فضیلت علم نقل شده حضرت می فرمایند: «...يَسْتَغْفِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخُوتِ فِي الْبَحْرِ وَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴) یعنی هر آنچه در زمین و آسمان است برای طالب علم طلب استغفار می کنند حتی ماهیان در دریا و فضیلت و برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه است بر سایر ستارگان در شبی که ماه کامل است و طالب علم اینقدر برتری و شرافت دارد.

۲- نقش اعتقاد و باور در شخصیت انسان

باور و اعتقاد نقش اساسی را در شخصیت انسان ایفا می نمایند، به عبارتی ایمان است که جهت و قطب‌نمای زندگی هر شخصی را تشکیل می دهد و او را به عمل نیکو وادار می کند؛ خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسرا: ۸۴) یعنی بگو: هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند؛ و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد؛ علامه طباطبایی می گوید: «شاکله به طوری که در مفردات گفته از ماده شکل می باشد که به معنای بستن پای چارپا است، و آن طنابی را که با آن پای حیوان را می بندند شکال (به کسر شین) می گویند، و شاکله به معنای خوی و اخلاق است، و اگر خلق و خوی را شاکله خوانده اند بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می کند و نمی گذارد در آنچه می خواهد آزاد باشد، بلکه او را وادار می سازد تا به مقتضا و طبق آن اخلاق، رفتار کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۱). بنابراین تعریف، اگر عقیده و باور یک فرد، صحیح و درست باشد او را به سمت راه نجات و فلاح راهنمایی می نماید و اگر عقیده آن شخص فاسد و ناصحیح باشد، او را به راه کج و غلط می کشاند؛ لذا اسلام بسیار تاکید بر این مطلب دارد که انسان باید در راه اصلاح عقیده اش بکوشد و باور و ایمان خودش را از هر راه نادرستی اخذ ننماید زیرا حتی کارهای شایسته نیز اگر از طریق اعتقاد نادرست انجام شوند ارزشی نخواهند داشت و در همین زمینه امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «لَا يَنْفَعُ مَعَ الشَّكِّ وَالْجُحُودِ عَمَلٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۰) به این معنا که با انکار و تردید هیچ عملی نافع و سودمند نخواهد بود.

در طول تاریخ کسانی که مرتکب کبائر و امور ناپسند شده اند و از طریق اخلاق و درستی منحرف گشته اند غالباً اشخاصی بوده اند که دارای اعتقادات صحیح و درستی نبوده و خود را پایبند و ملزم به انجام فرامین دینی نمی دانسته اند؛ اگر سوال بشود که پس چرا برخی امور خلاف و غیراخلاقی را افرادی انجام می دهند که ظاهر انسان های دین دار را دارند، در پاسخ گفته می شود که این چنین افراد نیز پایبند به دین نیستند و داشتن ظاهری شبیه افراد دین دار برای تسهیل در رسیدن به مقاصد دنیوی اینان است و گرنه انسان مومن و معتقد مرتکب حق الناس و سرقت و مانند این ها نمی شود و احیاناً اگر مرتکب گناه و اشتباهی شد، سریع به خود می آید و توبه و استغفار می نماید که قرآن کریم در این مورد می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يُغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَيَّ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۵). به این معنا که و آن ها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند- و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟- و بر گناه، اصرار نمی ورزند، با اینکه می دانند.

در اهمیت داشتن باور و اعتقاد صحیح همین نکته کافی است که شیخ صدوق در التوحید نقل می کند که در بحبوحه ی جنگ جمل که همه، از جمله امیرالمومنین علیه السلام مشغول پیکار با دشمن بودند، عربی بادیه نشین نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و گفت یا علی آیا تو می گویی خدا یکی است؟ در این شرایط اگر کسی بخواهد سوالی بپرسد باید سوال پیرامون جنگ باشد نه مسائل اعتقادی به همین دلیل جنگجویان به بادیه نشین هجوم بردند که حالا وقت این سوال نیست و وقت، وقت جنگ است، اما امیرالمومنین علیه السلام جمله ای کلیدی فرمودند که اهمیت این مسئله در اینجا نمایان می شود، ایشان بیان داشتند: «دَعَوْهُ فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُهُ الْأَعْرَابِيُّ هُوَ الَّذِي تُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ» یعنی او را رها کنید و اجازه بدهید سوالش را بپرسد زیرا آنچه او می پرسد همان است که ما از این گروه یعنی اصحاب جمل می خواهیم و بعد به توضیح این مسئله اعتقادی برا آن شخص بادیه نشین مشغول شدند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۸۳). آن اشخاصی که در روز جمل مقابل امام علیه السلام ایستاده و با ایشان می جنگیدند کسانی بودند که از نظر اعتقادی و باورمندی به مسائل دینی و اسلامی دارای اعتقاد صحیح و استواری نبودند و مطامع دنیوی و زرق و برق های دنیا چشم و گوش آنها را از کار انداخته بود و لذا مرتکب این اعمال زشت شده و چندین هزار نفر را به قتل رساندند.

۳- تاثیر باور و اعتقاد بر زندگی دانشجویی

باور و اعتقاد نقش بسیار زیادی را در زندگی هر فردی ایفا می کند؛ اساسا نقش ایمان به خداوند در دو بُعد فردی و اجتماعی خود را نشان می دهد. باورمندی و معتقد بودن و عمل به فرامین دینی برای همه انسان ها دارای فایده است و یکی از گروه هایی که نیاز بیشتری به ایمان به خداوند و باور به وعده های الهی دارند اهل علم می باشند؛ سوالی این جا مطرح می شود که اگر دانشجویی معتقد و متعهد به دین باشد چه ویژگی هایی در او نسبت به دانشجوی غیر معتقد نمایان می شود در پاسخ باید گفت که در دو حوزه فردی و اجتماعی این بحث مورد بررسی قرار می گیرد، یعنی دین داری و باورمندی اثراتی مثبت، هم در زندگی شخصی دانشجو و هم در زندگی اجتماعی او خواهد داشت که به آن ها اشاره خواهد شد.

۳-۱ اثرات باور و اعتقاد در بُعد فردی

بخشی از اثرات باورمندی به مبانی دینی در زندگی شخصی و فردی دانشجو، نمایان می شود؛ بدین معنا که دانشجوی معتقد به دین و معنویت دارای ویژگی هایی خواهد شد که آن ویژگی ها او را از سایرین متمایز می نماید و تاثیر زیادی در زندگی او خواهد گذاشت که به مواردی از آن ها اشاره می شود.

۳-۱-۱ آرامش روانی

یکی از اثرات اعتقاد و باور در بُعد فردی زندگی دانشجویی، داشتن آرامش روحی می باشد؛ آرامش و طمأنینه یکی از شاخصه های مهم در داشتن یک زندگی زیبا محسوب می شود و امری است که در جوامع امروز بشری جای خالی آن در زندگی ها احساس می شود و غالب افراد همیشه دارای اضطراب، استرس، ناراحتی و ترس از آینده هستند. قرآن کریم تنها عامل حقیقی برای آرامش روحی را ذکر و یاد خداوند معرفی می نماید و می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) یعنی آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می یابد. یک دانشجوی ممکن است با انواع اضطراب‌ها و ترس‌ها روبرو شود مانند ترس از آینده کاری و شغلی، ترس از امتحان، ترس از شروع یک زندگی متاهلی و مانند این‌ها اما ذکر و یاد خدا به او آرامش و طمأنینه ای عطا می کند که در برابر این سختی‌ها کم نیاید و بتواند با قدرت به مسیر خودش که کسب علم و دانش و حرکت در مسیر پیشرفت و رشد است حرکت نماید.

مفسران در ذیل این آیه شریفه می گویند: « منظور در آیه فوق از ذکر خدا که مایه آرامش دلها است تنها این نیست که نام او را بر زبان آورد و مکرر تسبیح و تهلیل و تکبیر گوید، بلکه منظور آن است که با تمام قلب متوجه او و عظمتش و علم و آگاهی و حاضر و ناظر بودنش گردد، و این توجه، مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه سد مستحکمی ایجاد کند، این است حقیقت ذکر که آن همه آثار و برکات در روایات اسلامی برای آن بیان شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰، ص ۲۱۶). مسلماً ذکر زبانی، فواید بی شماری خواهد داشت، اما بزرگترین ذکر، ذکر عملی است که انسان در همه‌ی حالات زندگی خود به یاد خدا باشد و این ذکر است که موجب می شود انسان مومن، همیشه ضمیری مطمئن و قلبی آرام داشته باشد حتی در سخت ترین حوادث زندگی که انسان‌های دیگر دچار افسردگی و اضطراب‌های زیاد می شوند.

۳-۱-۲ امیدواری

یکی دیگر از اثرات باورمندی به تعالیم دینی، امیدواری فرد دانشجوی نسبت به آینده است. در تفکر فرد با ایمان، جهان خلقت نسبت به تلاش‌های وی بی تفاوت نیست و ثمره فعالیت‌های در راه حق و حقیقت او بی نتیجه نمی ماند؛ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود: ۱۱۵) یعنی و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد. دانشجوی با ایمان چون به قدرت و اراده الهی ایمان دارد همیشه دست نیازش به درگاه خداوند دراز است و امیدواری او به خدا مانع از مبتلا شدن وی به بیماری های روحی می شود. اساساً امید

و امیدواری قطب نمای حرکت انسان محسوب می شود و اگر کسی دچار یاس و ناامیدی شود دیگر حرکت و پیشرفت در او دیده نمی شود و به همین جهت است که در روایات معصومین علیهم السلام یکی از گناهان بزرگ را ناامیدی معرفی نموده اند. امام صادق علیه السلام در روایتی نورانی می فرماید: « الْكِبَائِرُ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَالْيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ... » (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۰). یعنی از جمله گناهان کبیره ناامیدی و مایوس بودن از رحمت خداوند است، زیرا انسان نا امید هیچ گاه پس از شکست و زمین خوردن به فکر ایستادن و ادامه حرکت دادن نیست و به عنوان نمونه اگر دچار گناهی شد دیگر به توبه نمی اندیشد و می گوید من که دیگر آمرزیده نمی شوم پس چرا توبه کنم و یا یک دانشجوی نا امید پس از شکست در یک امتحان، می گوید من که استعداد ندارم و در این امتحان موفق نشدم پس چرا دیگر درس بخوانم و ادامه تحصیل بدهم، در صورتی که بسیاری از بزرگان و اهل علم در زندگی خود بارها دچار شکست شده اند اما هیچ وقت این شکست ها آن ها را از حرکت باز نداشته است و امیدواری عامل موفقیت آن ها بوده است.

۳-۱-۳ نظم و وقت شناسی

از دیگر ثمرات باور و اعتقاد و در نتیجه، عمل بر طبق آن ها این است که انسان مومن دارای صفت نظم و وقت شناسی می باشد، دلیل این امر نیز این است که فرد معتقد می داند که چند روزی در این دنیا مهمان است و فرصت زیادی ندارد و باید بهترین استفاده ها را از لحظات عمر خویش داشته باشد و نیکوترین استفاده این است که انسان عمر خود را صرف اعمال صالح و تحصیل علم و دانش و خدمت به مخلوقات خداوند نماید.

در روایات معصومین علیهم السلام تعابیر زیادی درباره وقت شناسی و از دست ندادن فرصت ها، وارد شده است، امیرالمومنین علیه السلام در روایتی می فرماید: « إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةٌ » (نهج البلاغه) یعنی از دست دادن فرصت موجب غم و اندوه می شود؛ این روایت خیلی برای اهل علم و دانشجویان می تواند راهگشا باشد که اگر در این دوران چند ساله تحصیل از فرصت علم آموزی استفاده نشود و وقت انسان به مسائل دیگری صرف شود در آینده بجز غم و اندوه چیزی حاصل دانشجوی و علم آموز نخواهد شد. هم چنین حضرت در روایت دیگری فرمودند: « لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي [فِيهَا] بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدُنْهَا فِيمَا يَجِلُّ وَ يَجْمَلُ » (نهج البلاغه) یعنی مومن زندگی خود را به سه وقت تقسیم بندی می نماید، ساعتی را برای مناجات با خدایش اختصاص می دهد و ساعتی را برای اصلاح معاش و روزی قرار می دهد و در پی کسب و کار می رود و ساعتی را برای لذات نیکو و حلال در نظر می گیرد. بنابراین دانشجوی مومن و معتقد قدر لحظات عمر خود را می داند و برای زمان های زندگی خود برنامه ریزی دارد.

۳-۱-۴ ارتقاع سطح خواسته ها

از دیگر اثرات باورمندی به خداوند این است که شخص مومن، خواسته هایش منحصر در مسائل مادی و دنیوی نیست و افق های بلندی در ذهن و تفکرات او وجود دارد، خواسته های او که از سر خودخواهی و خوپسندی بودند جای خود را به معنویت و عشق و محبت می دهند، درخواست های مادی وی که نهایتاً منحصر در خانه خوب و ماشین خوب بودند با رسیدن به کمال و سعادت ابدی جایگزین می شوند، البته منظور این نیست که فرد معتقد و باورمند دیگر خانه و یا ماشین نخواهد و برای فراهم کردن امکانات زندگی دنیوی تلاش نکند، بلکه منظور این است که هدف اصلی و غایت حقیقی زندگی او این موارد نمی باشد.

یک فرد دانشجوی معتقد علاوه بر این که با کسب دانش به فکر کسب درآمد نیز می باشد، اما هدف غایی او کسب درآمد نیست بلکه خدمت به مردم برای رضای خداوند است، یعنی ایمان در درون او باعث می شود که ظرفیت درونی وی وسعت بیابد و سطح آرزوهای او به سمت تعالی و رشد معنوی گرایش پیدا کند. در قرآن کریم خداوند کسانی را مورد تشویق قرار می دهد که به دنبال خیر و حسنه هم در دنیا هستند و هم آخرت و آن خیرات را از خداوند طلب می کنند و کسانی که فقط سقف آرزوی آن ها دنیا است را مورد مذمت قرار می دهد؛ می فرماید: «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (بقره: ۲۰۲-۲۰۱) یعنی و بعضی می گویند: پروردگارا! ما در دنیا نیکی عطا کن! و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار! * آن ها از کار (و دعای) خود، نصیب و بهره ای دارند؛ و خداوند، سریع الحساب است. در تفسیر نمونه آمده است: «در حقیقت این قسمت از آیات اشاره به خواسته های مردم و اهداف آنها در این عبادت بزرگ است؛ بعضی جز به مواهب مادی دنیا نظر ندارند و چیزی غیر از آن از خدا نمی خواهند بدیهی است آنها در آخرت از همه چیز بی بهره اند. ولی گروهی هم مواهب مادی دنیا را می خواهند و هم مواهب معنوی را بلکه زندگی دنیا را نیز به عنوان مقدمه تکامل معنوی می طلبند و این است منطق اسلام که هم نظر به جسم و ماده دارد و هم جان و معنا و اولی را زمینه ساز دومی می شمرد و هرگز با انسان های یک بعدی یعنی آنها که در مادیات غوطه ورنند و برای آن اصالت قائلند، یا کسانی که به کلی از زندگانی دنیا بیگانه اند سازگار نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۶۵).

بنابراین ایمان و اعتقاد سبب می شود که یک جوان دانشجو، سطح فکر و خواسته هایش از مسائل مادی بالاتر برود و دارای هدفی متعالی گردد.

۳-۱-۵ گرایش به اخلاق

از آنجا که نفس اماره و شیطان دائما در حال وسوسه انسان و ترغیب او برای انجام رفتارهای خلاف اخلاق هستند، اگر انسان، باورمند به روز جزا و حساب و کتاب اعمال نباشد، خیلی سریع در گرداب های گناه و فتنه ها غرق خواهد شد؛ خودداری از گناه و معصیت اجر بزرگی خواهد داشت و اگر دانشجو بتواند خود را از مناظر گناه آلود و رفتارهای غیراخلاقی مصون بدارد برکات و رحمت الهی مدام بر زندگی فردی و تحصیلی وی سرازیر خواهد شد. دین و اعتقاد موجب می شود که فرد متمایل به انجام نیکی ها و مسائل اخلاقی شود. رعایت اخلاق و مسائل اخلاقی موجب دستیابی به آرامش، سعادت و عاقبت بخیری می شود.

تجربه نشان داده است که گناه و معصیت، اضطراب و نا آرامی روحی را به دنبال دارد و اکثر افراد گناه پیشه آرامش حقیقی را در زندگی بدست نمی آورند؛ غالب خانواده هایی که دچار از هم پاشیدگی شده اند یکی از مهم ترین علت ها در آن ها دوری از اخلاق و معنویات بوده است به این دلیل که اگر زن و یا مرد فرامین الهی را در محیط خانواده حاکم و قاضی قرار دهند از آسیب های فراوانی در امان می مانند و لذا قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶) یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند. که در این آیه شریفه خداوند دستور داده است که انسان هم باید خودش را از بند آتش نجات دهد و طوری عمل کند که جهنمی نشود و هم باید خانواده خودش را از آتش جهنم مصون بدارد و شرط دور شدن از آتش جهنم و عذاب الهی دوری نمودن از معاصی و رفتارهای خلاف اخلاق و شرع می باشد. روایتی از امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه نقل شده است که هنگام نزول این آیه شریفه مردی از مسلمانان روی زمین نشست و شروع کرد به گریه کردن و ناله سردادن و گفت من از حفظ کردن خودم از آتش جهنم عاجز هستم حال چگونه خانواده خودم را از آتش حفظ نمایم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ» یعنی همین که آنان را امر کنی به آنچه خودت را به آن امر می نمایی و نهی می کنی ایشان را از آنچه خودت را از آن نهی می کنی کافیسست به عبارتی وظیفه تو تذکر دادن می باشد و راهنمایی کردن و اگر به حرف تو اهمیتی داده نشد عقاب و مجازاتی شامل تو در این مورد نمی شود؛ و در برخی روایات آمده که اگر از تو اطاعت ننمودند نیز، تو وظیفه خودت را در این باره انجام داده ای (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۶۲).

بنابراین دانشجوی معتقد به مبانی دینی و اسلامی، به اخلاق گرایش دارد و به دنبال راهی است تا بتواند رضایت الهی را در زندگی خود کسب نماید.

۳-۱-۶ عزت نفس

عزت را در لغت چنین معنا کرده اند که «حَالَةٌ مَانِعَةٌ لِلْإِنْسَانِ مِنْ أَنْ يَغْلِبَ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۳) یعنی حالتی است که مانع از مغلوب شدن و شکست خوردن انسان می شود. خداوند در قرآن کریم عزت را مخصوص خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مومنان می داند و می فرماید: «... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸)؛ بنابراین دانشجویی که اهل معنویت و دین باشد دارای صفت عزت است و هرگز مغلوب نمی شود و این مغلوب نشدن در برابر همه چیز است به عنوان نمونه او مغلوب گناه و معصیت نمی شود و در نبرد با شیطان، شکست نمی خورد، هم چنین او مغلوب شبهه افکنی های دشمنان نمی گردد و نیز در برابر قدرت پویشالی دشمن ترس به خودش راه نمی دهد.

عزت نفس می تواند یک عامل بسیار مهم در رشد شخصیتی انسان باشد و او را در مسیر زندگی ثابت قدم و استوار قرار دهد و چون اصل این صفت برای خداست و اوست که می تواند از این صفت به دیگران نیز عطا کند، بنابراین این ویژگی تنها با معنویت و بندگی خدا حاصل می شود به همین دلیل آیت الله جوادی آملی می گوید: «نخستین مانع عزت نفس تمرد و طغیان در برابر خدا است. کسی که خوی سرکش دارد، نمی تواند به عزت نفس برسد، تا کسی خود را محتاج خدا نداند و به عنوان عبد احساس نکند، صلاحیت شرکت در مدرسه تکریم الهی را ندارد و این نخستین مانع است که باید برطرف شود» (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ۹۲). به بیانی دیگر بندگی خدا عامل نزول انواع برکات است که یکی از آن برکات بدست آوردن صفت عزت می باشد.

۳-۲ اثرات باور و اعتقاد در بُعد اجتماعی

باورمندی و اعتقاد به خداوند علاوه بر اینکه در بُعد فردی انسان خود را نشان می دهد و زندگی شخصی را سامان می دهد، در بُعد اجتماعی نیز تاثیرات فراوانی دارد؛ بدین معنا که اگر کسی معتقد به دین و معنویت باشد و در مسیر دین قدم بردارد، در جامعه تاثیرگذار خواهد بود؛ جلوه بزرگ این بُعد در این است که تمامی افراد جامعه بر طبق دستورات دینی عمل نمایند که در آن صورت مدینه فاضله ای شکل خواهد گرفت و همه از نعمت اثرات دین متنعم خواهند شد. تمام ویژگی های فردی گفته شده اگر به صورت عمومی انجام شوند در بُعد اجتماعی نیز قرار می گیرند و در ادامه به برخی از اثرات اجتماعی باورمندی به دین اشاره می شود.

۳-۲-۱ آرامش اجتماعی

اگر مردم به خصوص شخص دانشجو، پایبند به مسائل دینی باشند و همه بر طبق فرامین الهی عمل کنند، جامعه و در مورد دانشجو، فضای دانشگاه دارای جو آرامی خواهد بود و جامعه و فضایی که دارای جو همراه با آرامش باشد موفقیت، تلاش و کوشش در آن بیشتر و با کیفیت تر خواهد بود. مسلمان واقعی به دنبال ایجاد اختلاف و تنش در جامعه نیست و مشغول انجام وظایف خویش می باشد، امام باقر علیه السلام در روایتی خطاب به شخصی به نام سلیمان می فرماید: « يَا سُلَيْمَانُ أَ تَدْرِي مَنْ الْمُسْلِمُ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ » (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۲۳۴) یعنی ای سلیمان آیا می دانی مسلمان چه کسی است عرضه داشت جانم فدای شما، شما دانایتر هستید، حضرت فرمودند مسلمان واقعی کسی است که دیگر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. بیشتر اختلافات بخاطر مهار نبودن زبان انسان است و در روایات بسیار پیرامون حفظ زبان سخن به میان آمده است؛ دین که مجموعه ای است از دستورات اخلاقی مدام انسان را توصیه به رعایت اخلاق می نماید و یکی از دلیل های این توصیه ها و نصایح معصومین علیهم السلام حفظ آرامش اجتماعی می باشد.

در فضایی که همه خود را موظف به عمل بر طبق دین میدانند، انسانیت به معنای واقعی کلمه ظهور پیدا می کند و تا جایی ادامه می یابد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: « مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى » (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸، ۱۵۰) یعنی مثال مومنان در مهربانی نسبت به یکدیگر مانند جسم است که اگر جایی از آن جسم دچار بیماری گردد تمام آن دچار بی خوابی و تب می شود. بنابراین جامعه اسلامی همه خود را نسبت به یکدیگر مسئول می دانند و در محیط دانشگاه، دانشجوی مومن و باورمند برای حفظ آرامش و اصلاح آن محیط نهایت سعی و کوشش خود را انجام می دهد تا فضایی آرام بر مبنای دستورات دینی و الهی صورت پذیرد.

۳-۲-۲ برکت الهی

قرآن کریم یکی از اثرات دین داری و رعایت تقوا را در جامعه، نزول برکات نام می برد و می فرماید: « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ » (اعراف: ۹۶) یعنی و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. علامه طباطبایی در المیزان می گوید: « برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالبا انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می گیرد. در جمله " لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ " استعاره به کنایه

به کار رفته، برای این که برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌گردد. جمله " وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا ... " دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آن‌ها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند. جمله " وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ " دلالت دارد بر اینکه عذابی که بر جمعیت‌ها نازل می‌شده به عنوان مجازات بوده، و این گونه عذاب‌ها در حقیقت اعمال خود مردم است که به آنان بر می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ۲۵۴). همان گونه که بیان شده، برکات به صورت مطلق است و همه نیکی‌های نازل شده از جانب خداوند را شامل می‌شود یعنی ایمان و تقوا، سبب نزول برکات بر اجتماع می‌باشند.

محیط دانشگاه و فضای علمی که اکثر دانشجویان، باورمند و عامل به دستورات دینی باشند، همراه با برکت خواهد بود، یعنی خداوند در تحصیل، کار و فعالیت‌های آنان نهایت لطف و رحمت را قرار می‌دهد که نمونه آن در جوانان پرکار و تلاش‌گر میهن اسلامی ایران در بخش‌های هسته‌ای و موشکی و مانند آن دیده می‌شود که این همه پیشرفت سریع و بزرگ یقیناً بخاطر برکت و رحمت الهی می‌باشد.

۳-۲-۳ دوری از فساد و انحرافات اجتماعی

از آنجا که اسلام دینی اجتماعی می‌باشد و دستوراتش منحصر در مسائل فردی و شخصی نیست، فرد باورمند و معتقد به دین نمی‌تواند در برابر ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی سکوت پیشه کند و در کنار فسادها به راحتی عبور نماید، وی هم خودش را از افتادن در گرداب معاصی حفظ می‌نماید و هم نسبت به جامعه احساس مسئولیت می‌کند و با امر به معروف و نهی از منکر در مقابل انحرافات جامعه ایستادگی می‌نماید؛ البته امر به معروف و نهی از منکر که با توجه و آگاهی از شرایط و ضوابط آن صورت پذیرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) یعنی باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند. در واقع اگر امر به معروف و نهی از منکر در فضای جامعه وجود نداشته باشد و هر کسی در انجام انواع رفتارهایش مختار باشد، دیگر کنترل جامعه ممکن نخواهد بود. مولف تفسیر کوثر می‌گوید: «وادار کردن دیگران به انجام کارهای خوب و بازداشتن آنها از انجام کارهای بد اگر به صورت یک تکلیف و

وظیفه در جامعه مطرح باشد و همه خود را به آن متعهد بدانند، آثار و نتایج بسیار درخشانی به بار می آورد و در سازندگی و بالندگی و رشد و تعالی جامعه و گسترش مبانی اخلاقی و ارزش های ایمانی تأثیر قاطعی دارد. و علاوه بر نتایجی که در دیگران می گذارد برای خود شخص که امر به معروف و نهی از منکر می کند نیز بسیار سازنده است و او که دیگران را به نیکی ها دعوت می کند، سعی خواهد کرد که آن را در خود به وجود آورد. بسیاری از مردم تشنه تشویق هستند و اگر به انجام کارهای پسندیده تشویق شوند به راحتی آن را انجام می دهند و نیز بسیاری از مردم از سرزنش و اعتراض دیگران متأثر می شوند و اگر خود را در معرض اعتراض جامعه ببینند از انجام کارهای بد منصرف می شوند و از گناه و معصیت پرهیز می کنند. اسلام با استفاده از این روحيات که در نوع مردم وجود دارد، دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده تا گروهی را با تشویق و گروهی را با تهدید تربیت کند و نظام اخلاقی را در جامعه گسترش دهد» (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۲۰۹).

شاید سوالی مطرح شود که آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی انسان می شود؟ در پاسخ گفته می شود که: «با اینکه به طور مسلم زندگانی دست جمعی برای افراد بشر فوائد و برکات فراوانی دارد و حتی این نوع مزایا انسان را وادار به زندگانی اجتماعی کرده است، ولی در مقابل آن محدودیت هایی نیز برای او به بار می آورد، و چون در برابر فوائد بی شمار زندگی دست جمعی ضرر این نوع محدودیت ها جزئی و ناچیز است لذا بشر از روز اول تن به زندگی اجتماعی داده و محدودیت ها را پذیرفته است، و از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد بهم مربوط است، و به اصطلاح افراد اجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دست جمعی است، بنابراین انجام این فریضه نه تنها با آزادی های فردی مخالف نیست، بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۰). در فضای علمی نیز اگر دانشجو ببیند که فضای علم و تحقیق به فضای گناه و انحرافات تبدیل شده است نمی تواند در برابر آن سکوت نماید و او نیز با رعایت شرایط و لحن محترمانه و دلسوزانه سعی در اصلاح اجتماع می نماید و با این کار فضا را مهیا برای تحصیل علم می کند که فایده آن هم به خودش و هم به دیگر دانشجویان خواهد رسید.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب گفته شده این مطلب به وضوح حاصل می شود که باورمندی و اعتقاد به آموزه های دینی تأثیر فراوانی بر زندگی دانشجویی خواهد گذاشت که این تأثیر، خود را در دو بُعد فردی و اجتماعی نشان می دهد؛ به این معنا که دانشجوی معتقد و عامل به معارف قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام هم زندگی شخصی و فردی اش در مسیر سعادت قرار می گیرد و هم رعایت دستورات دینی، یک اجتماع پاک و همراه با آرامش که فراهم کننده محیطی برای

علم آموزی و تحصیل اخلاقیات است را به ارمغان می آورد زیرا یک دانشجو در صورتی به موفقیت و پیشرفت حقیقی نائل می آید که از نظر هر دو بُعد فردی و اجتماعی رشد کرده باشد و در این صورت است که او می تواند انسانی مفید هم در خانواده و هم در اجتماع باشد که دیگران نیز از خدمات او بهره مند گردند.

منابع

قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

نهج البلاغه للصبحی صالح

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸)، التوحید، قم، جامعه مدرسین

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی، محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی

راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۲)، کرامت در قرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء

جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت